



سجده

کلیدواژه: سجده، عبادت، تعظیم، شکر، شرک، حضرت یوسف .
پرسش: آیا همان‌گونه که برادران یوسف - علیه‌السلام - بر او سجده نمودند، سجده تعظیم در شریعت حضرت **مجد** - صلی‌الله‌علیه‌وآله - بر طبق مکتب **اهل بیت** - علیهم‌السلام - اجازه داده شده است؟
پاسخ: از نظر **اسلام** و مکتب **اهل بیت** - علیهم‌السلام - **سجده** کامل‌ترین و زیباترین شکل عبادت است که مخصوص پروردگار متعال است و برای غیر خدا ممنوع است؛ اما سجده بر حضرت یوسف، سجده عبادت نبود؛ بلکه در واقع عبادت خدا بود؛ چنان‌که ما به طرف **کعبه نماز** می‌گذاریم و به سوی آن سجده می‌کنیم، ولی هیچ‌گاه این سجده و نماز برای خانه کعبه نیست؛ بلکه خانه کعبه تنها نشانه‌ای است که با توجه به آن خدا را عبادت می‌نماییم.

فهرست مندرجات

- ۱ - توحید
- ۲ - اقسام توحید
- ۳ - معنای توحید در عبادت
- ۴ - هدف از عبادت
- ۵ - معنای لغوی عبادت
- ۶ - معنای عبودیت
- ۷ - عبادت در قرآن مجید
- ۸ - سجده
- ۹ - سجده از دیدگاه اسلام
- ۱۰ - سجده بر غیر خدا
- ۱۱ - دو نمونه از سجده بر غیر خدا
- ۱۲ - سجده بر حضرت یوسف
- ۱۲.۱ - ۱ - سجده تعظیم و احترام
- ۱۲.۲ - ۲ - سجده شکر برای خدا
- ۱۲.۲.۱ - دیدگاه مکارم شیرازی
- ۱۲.۲.۳ - ۳ - سجده به معنای خضوع و تواضع
- ۱۲.۴ - ۴ - ثابت قدم ماندن در بندگی
- ۱۲.۴.۱ - چپستی فعل عبادی و سجده
- ۱۳ - عبادت خداوند نه کعبه
- ۱۴ - نتیجه کلی درباره سجده
- ۱۵ - فتاوهای مراجع عظام تقلید درباره سجده
- ۱۶ - پانویس
- ۱۷ - منبع

توحید

از نظر اسلام و مکتب **اهل بیت** - علیهم‌السلام - توحید بالاترین و با ارزش‌ترین اصل و مرز بین **کفر** و **ایمان** است. نقطه مقابل **توحید**، **شرک** به خداست که **قرآن مجید** از آن به عنوان **ظلم عظیم** («و إِذْ قَالَ لِقَمَانُ لِإِبْنِهِ وَ هُوَ يَعْظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ») [۱] و گناه نابخشودنی («إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونِ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ») [۲] تعبیر کرده است.

اقسام توحید

توحید دارای چهار شاخه اصلی است که عبارت‌اند از:

۱. توحید در ذات؛
۲. توحید در صفات؛
۳. توحید در افعال؛
۴. توحید در عبادت.

معنای توحید در عبادت

توحید در عبادت؛ یعنی تنها باید خدا را **پرستش** کرد و غیر او شایسته عبودیت نیست؛ چراکه عبادت باید برای کسی باشد که **کمال مطلق** و مطلق **کمال** است. کسی که از همگان بی‌نیاز است و بخشنده تمام **نعمت** ها و آفریننده همه موجودات است و این صفات جز در ذات پاک او جمع نمی‌شود.

هدف از عبادت

هدف اصلی از عبادت، راه یافتن به جوار **قرب** آن کمال مطلق و هستی بی‌پایان و انعکاس پرتوی از صفات کمال و **جمال** او در درون **جان** است که نتیجه‌اش

فاصله گرفتن از هوا و هوس‌ها و روی آوردن به **خودسازی** و تهذیب **نفس** است. این هدف جز با عبادت "الله" که همان کمال مطلق است، امکان‌پذیر نیست. [۳]

معنای لغوی عبادت

عبادت دارای یک معنای وسیع و گسترده است. عبد از نظر لغت به انسانی می‌گویند که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد، اراده‌اش تابع اراده او و خواستش تابع خواست اوست. در برابر او **مالک** چیزی نیست و در **اطاعت** او هرگز سستی به خود راه نمی‌دهد.

معنای عبودیت

"عبودیت" اظهار آخرین درجه **خضوع** در برابر معبود است؛ به همین دلیل تنها کسی می‌تواند معبود باشد که نهایت **انعام** و اکرام را کرده است و او کسی جز خدا نیست. بنابراین عبودیت نهایت اوج تکامل یک **انسان** و قرب او به خدا و نهایت **تسلیم** در برابر ذات پاک اوست. [۴]

عبادت در قرآن مجید

عبادت در قرآن مجید به‌عنوان عامل اساسی **خلفت** انسان و تمام موجودات عالم امکان شمرده شده است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «**وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ**»؛ "تمام جن و انس را جز برای عبادت خلق نکردم". [۵] به همین دلیل عبادت مختص ذات اوست و خداوند به هیچ یک از موجودات اجازه نداده دیگری را پرستش نماید؛ زیرا پرستش و **عبادت** غیر خدا بزرگ‌ترین مصداق شرک است و شرک ظلمی بزرگ و گناهی نابخشودنی است.

سجده

یکی از کامل‌ترین و زیباترین صورت‌ها و قالب‌های عبادت، سجده است؛ [۶] زیرا سجده اظهار نهایت درجه خضوع و **خشوع** در برابر معبود است.

سجده از دیدگاه اسلام

از دیدگاه اسلام سجده برای خداوند مهم‌ترین عبادت یا از مهم‌ترین عبادات است. همان‌گونه که در روایات آمده، انسان در حال سجده، از هر حال دیگر به خدا نزدیک‌تر است. پیشوایان بزرگ به‌خصوص رسول اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و **اهل بیت** - علیهم‌السلام - سجده‌های طولانی داشتند. [۷]

سجده بر غیر خدا

از نظر مبانی اسلام سجده برای غیر خدا جایز نیست و در کتب روایی ما بابتی با عنوان "عدم جواز السجود لغير الله" منعقد شده و روایاتی از **پیامبر اکرم** و امامان **معصوم شیعه** - علیهم‌السلام - در حرمت سجده بر غیر خدا نقل شده است. [۸]

دو نمونه از سجده بر غیر خدا

در قرآن از دو سجده بر غیر خدا یاد شده است:

۱. سجده **ملانکه** بر **حضرت آدم علیه‌السلام**؛ [۹]
۲. سجده برادران و پدر و مادر **حضرت یوسف** - علیه‌السلام - بر آن حضرت. از آنجا که هر دو **سجده** یک نوع است، بنابراین در اینجا فقط به اشکال از سجده بر حضرت **یوسف** - علیه‌السلام - پاسخ می‌دهیم و حکم سجده بر آدم هم روشن می‌شود.

سجده بر حضرت یوسف

قرآن می‌فرماید: «**وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ**»؛ "و پدر و مادر خود را بر تخت نشانند و همگی به‌خاطر او به سجده افتادند و گفت: پدر، این تعبیر خوابی است که قبلاً دیدم". [۱۰]

در این باره احتمالاتی داده شده است:

← ۱. سجده تعظیم و احترام

بعضی از مفسران گفته اند: دو گونه سجده داریم: یکی **سجده عبودیت** و پرستش که مختص خداست، در مقابل پرستش شمس و اصنام و کواکب و غیر اینها که مشرکان داشتند؛ دیگری **سجده تعظیم و احترام** که نسبت به پادشاهان، سلاطین، **انبیا**، سایر اعظام و بزرگان ابراز می‌شود و این تابع امر و نهی الاهی است. در شریعت اسلام نهی اکید شده است که این نوع سجده **حرام** است؛ ولی شرک نیست. خدای متعال این نوع سجده را در مورد حضرت آدم **واجب** کرده است و عین اطاعت خداست؛ لذا **شیطان** به جهت مخالفت مطرود شد؛ اما در **شریعت ابراهیم** و انبیای **بنی‌اسرائیل** جایز، بلکه ممدوح بوده است. شاهد بر این ادعا فرمایش خود پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - است که اگر سجده بر غیر خدا جایز بود، می‌گفتم زنها به شوهرها سجده کنند. معنای این جمله آن نیست که **زن** ها شوهرهای خود را پرستند؛ بلکه به این نحو (با سجده) به همسران خود تعظیم و **احترام** کنند. [۱۱]

← ۲. سجده شکر برای خدا

مقصود آیه این است که به دستور حضرت یوسف - علیه‌السلام - آنان بسیار مورد تکریم قرار گرفتند و در کاخ اختصاصی و بر تخت سلطنتی نشانده شدند؛ چون یوسف - علیه‌السلام - وارد شد، **نور** ی الاهی که از جمال بدیع و دل‌آرای حضرتش متلاًلاً بود، ایشان را خیره و از خود بی‌خود ساخته بود تا حدی که عنان را از کف داده و بی‌اختیار به خاک افتاده‌اند. اما این سجده برای عبادت نبوده، به دلیل اینکه سجده به معنای پرستش و عبادت، مخصوص خداست و برای هیچ کس در هیچ مذهبی پرستش غیر خدا جایز نیست. توحید عبادت که بخشی مهم از مسئله **توحید** است که همه پیامبران به آن دعوت نمودند، مفهومش همین است.

بنابراین نه یوسف که پیامبر خدا بود، اجازه می‌داد که برای او سجده و عبادت کنند و نه **پیامبر** بزرگی همچون **یعقوب** اقدام به چنین کاری می‌کرد و نه قرآن به‌عنوان یک عمل شایسته یا حداقل مجاز از آن یاد می‌نمود.

بنابراین سجده مزبور برای سجده **شکر** از خدا بود. همان خدایی که این همه موهبت و مقام عظیم به یوسف داد و مشکلات و گرفتاری‌های خاندان یعقوب را برطرف نمود. در این صورت سجده در عین اینکه برای خدا بود، چون به‌خاطر عظمت موهبت یوسف انجام گرفته است، تجلیل و احترام برای او نیز محسوب می‌شد و از این نظر ضمیر در "له" که مسلماً به یوسف باز می‌گردد، با این معنا به‌خوبی سازگار خواهد بود.

← دیدگاه مکارم شیرازی

صاحب تفسیر نمونه می‌گوید: این معنا نزدیک‌تر به نظر می‌رسد، به‌خصوص اینکه در روایات متعددی که از **انمه** - علیهم‌السلام - نقل شده، می‌خوانیم: سجود آنها به‌عنوان عبادت برای پروردگار بود.

در بعضی از **احادیث** دیگر می‌خوانیم: سجده برادران یوسف به‌عنوان اطاعت پروردگار و تحیت و احترام به یوسف بوده است.

همان‌گونه که در داستان **آدم** نیز، سجده برای خداوند بزرگی بوده است که چنین موجود بدیعی را آفرید. این سجده در عین عبادت خدا بودن، دلیلی است بر احترام و عظمت مقام آدم. این درست به آن می‌ماند که شخصی کار بسیار مهم و شایسته‌ای انجام دهد و ما به‌خاطر آن برای خدایی که چنین بنده‌ای را آفریده است، سجده کنیم که هم سجده برای خداست و هم برای احترام این شخص. [۱۲]

← ۳. سجده به معنای خضوع و تواضع

منظور از سجده مفهوم وسیع آن، یعنی خضوع و تواضع است؛ زیرا سجده همیشه به معنای معروفش نمی‌آید؛ بلکه به معنای هر نوع تواضع نیز گاهی آمده است؛ لذا بعضی از مفسران گفته‌اند که تحیت و تواضع متداول در آن روز خم شدن و **تعظیم** بوده است و منظور از سجود در **آیه** فوق همین است؛ ولی با توجه به جمله "خروا" که مفهومش بر زمین افتادن است، چنین برمی‌آید که سجود آنها به معنای انحنا و سر فرود آوردن نبود. [۱۳]

← ۴. ثابت قدم ماندن در بندگی

بعضی دیگر از مفسران بزرگ گفته‌اند: عبادت، عبارت از آن است که بنده، خود را در مقام عبودیت درآورد و عملاً **بندگی** و عبادت خود را اثبات هم کند و همواره بخواهد که در بندگی ثابت بماند.

← چپستی فعل عبادی و سجده

بنابراین فعل عبادی باید فعلی باشد که صلاحیت برای اظهار مولویت مولی، یا عبودیت عبد را داشته باشد؛ مانند سجده و رکوع کردن و یا جلو پای مولا بر خواستن، یا پشت سر او راه رفتن، و... هر چه این صلاحیت بیشتر باشد، عبادت بیشتر و عبودیت متعین‌تر می‌شود و از هر عملی در دلالت بر **عزت** مولویت و **ذلت** عبودیت، روشن‌تر و واضح‌تر، دلالت سجده است؛ زیرا که در سجده بنده به خاک می‌افتد و روی خود را به خاک می‌گذارد؛ اما سجده عبادت ذاتی نیست؛ بلکه قصد عبادت لازم دارد؛ پس اگر در سجده‌ای مانعی تصور شود، ناگزیر از جهت نهی شرعی، یا عقلی خواهد بود و آنچه در **شرع** و یا **عقل** ممنوع است، این است که انسان با سجده خود برای غیر خدا، بخواهد برای آن غیر اثبات ربوبیت کند؛ اما اگر منظورش از سجده صرف تحیت و یا احترام او باشد، بدون اینکه **ربوبیت** برای او قائل باشد، بلکه صرفاً منظورش انجام یک نحو تعارف و تحیت باشد و بس، در این صورت نه دلیل شرعی بر حرمت چنین سجده‌ای هست و نه عقلی.

چیزی که هست ذوق دینی که مردم متدین آن را از **انس** ذهن به ظواهر دین کسب کرده‌اند، اقتضا می‌کند که به‌طور کلی این **عمل** را به خدا اختصاص دهند و برای غیر خدا هرچند از باب تعارف و تحیت باشد، به خاک نیفتند. این ذوق قابل انکار نیست؛ لکن چنین هم نیست که هر عملی را که به منظور اظهار **اخلاص** درباره خدا می‌آوریم، آوردن آن عمل درباره غیر خدا ممنوع باشد. [۱۴]

عبادت خداوند نه کعبه

سجود یعقوب و برادران و مادرشان برای خدا بوده؛ اما یوسف همچون کعبه، **قبله** بوده است؛ لذا در تعبیرات عرب گاهی گفته می‌شود: "فلان کس به سوی قبله نماز خواند".

همچنان که ما خدا را عبادت می‌کنیم و **کعبه** را قبله خود می‌گیریم و نماز و عبادت را بدان سو انجام می‌دهیم، پس با سجده در مقابل کعبه، خدا عبادت می‌شود، نه کعبه و معلوم است که آیت خدا از آن نظر که آیه و نشانه است، از خودش استقلالی ندارد و اگر سجده شود، جز صاحب نشانه، یعنی خدا عبادت نشده است. [۱۵] [۱۶]

نتیجه کلی درباره سجده

با توجه به مطالب گذشته روشن می‌شود که در اسلام به غیر از **سجده معهود** که بر خدا بیان شده، سجده دیگری حتی برای تعظیم و احترام وجود ندارد، به‌طوری که در بعضی روایات آمده که بعضی از اصحاب **پیامبر** درخواست نمودند که ایشان را سجده نمایند، آن حضرت در پاسخ فرمود: **لَا بَلَّ اسْجُدُوا لِلَّهِ**؛ [۱۷] نه بلکه فقط برای خدا به سجده بیافتید.

فتاوی‌های مراجع عظام تقلید درباره سجده

در ذیل توجه شما را به فتاوی‌های مراجع عظام تقلید جلب می‌کنیم:

۱. دفتر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی):

سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام می‌باشد و بعضی از مردم عوام که در مقابل **قبر ائمه** اطهار - علیهم‌السلام - پیشانی را به زمین می‌گذارند، اگر برای شکر خداوند متعال باشد، اشکال ندارد؛ وگرنه حرام است.

۲. دفتر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره):

تعظیم و سجده در مقابل غیر خدا جایز نیست و سجده یعقوب و فرزندانیش نیز سجده **شکر** برای خداوند تعالی بوده است. در همین مورد به عروة الوثقی مرحوم سیدیزدی مراجعه کنید.

۳. دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی (مدظله العالی):

سجده برای غیر خدا جایز نیست. در مورد خاص **حضرت یوسف** - علیه‌السلام - می‌توانید به **تفاسیر** معتبری مانند (المیزان) علامه طباطبایی (ره) رجوع کنید.

۴. دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی):

معروف در میان **علما** و مفسران این است که آنها به‌خاطر عظمتی که خدا به یوسف داده بود، برای خدا سجده کردند که نوعی سجده شکر است.

پانویس

- ↑ لقمان (۳۱)، آیه ۱۳.
- ↑ نساء (۴)، آیه ۴۸.
- ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۴۷.
- ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۸۷.
- ↑ ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶.
- ↑ طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۱۹۰؛ گرچه هر سجده‌ای عبادت نیست؛ یعنی این‌گونه نیست که سجده عبادت ذاتی باشد و به جز عبادت هیچ عنوانی دیگر بر آن منطبق نباشد.
- ↑ مکارم شیرازی، شیعه پاسخ می‌گوید، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۴۳.
- ↑ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، ۱۴۰۹ هجری قمری، ج ۶، ص ۳۸۵.
- ↑ نجمی، هاشم‌زاده هریسی، بیان در مسائل قرآن، ص ۶۳۰.
- ↑ یوسف (۱۲)، آیه ۱۰۰.
- ↑ طبیب، سعیدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۸۰.
- ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۸۲.
- ↑ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۸۲.
- ↑ طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.
- ↑ طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص ۳۳۸.
- ↑ تفسیر فخر رازی ذیل آیه ۲۴ سوره بقره.
- ↑ میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، ۱۴۰۸ هجری قمری، ج ۴، ص ۴۸۰.

منبع

پایگاه اسلام کوئست.

